12315 ـ از وسوسه‌های شیطان درباره‌ی الله در رنج است

سوال

مردی گرفتار وسوسه‌های شیطان درباره‌ی ذات خداوند عزوجل است و به شدت از این وسوسه‌ها می‌ترسد. چکار کند؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

مساله‌ای که درباره‌ی ترس ایشان ذکر کردید، باید بگویم: بشارت بده زیرا این وسوسه‌ها نتیجه‌ای جز نیکی در پی نخواهد داشت، زیرا اینها وساوسی هست که شیطان با آن به مومنان هجوم می‌آورد تا عقیده‌ی صحیح را در وجود آنان دچار تزلزل کند و آن‌ها را گرفتار نگرانی درونی و فکری کند تا صفای ایمان‌شان مکدر شده و بلکه اگر مومن هستند، صفای زندگی را از آنان بگیرد.

حالتی که برای ایشان پیش آمده بی‌سابقه نیست و آخرین هم نخواهد بود، بلکه تا وقتی یک مومن در دنیا باشد، پیش خواهد آمد. این حال برای صحابه رضی الله عنهم نیز پیش می‌آمد. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که تعدادی از یاران رسول الله ﷺ نزد ایشان آمدند و گفتند: فکرهایی سراغ ما می‌آید که می‌ترسیم به زبان بیاوریم. ایشان فرمودند: آیا چنین فکری به ذهن شما آمده؟ گفتند: آری. فرمود: آن صریحِ ایمان است. به روایت مسلم. (یعنی همینکه آن را بد می‌داند و از خود دور می‌کند نشان دهنده‌ی ایمان صریح اوست). همچنین در صحیحین روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: شیطان نزد یکی از شما می آید و می‌گوید: چه کسی آن را آفرید؟ چه کسی این را آفرید؟ تا جایی که می‌گوید: چه کسی پروردگارت را آفرید؟! پس هنگامی که به اینجا رسید به الله پناه برد (أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بگوید) و [به فکر کردن] ادامه ندهد.

و از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: چیزهای به ذهنم می‌آید که دوست دارم بسوزم و زغال شوم ولی به زبانش نیاورم. پیامبر ﷺ فرمود: الحمد لله که کارش را به وسوسه برگردانده (یعنی شیطان نتوانسته کاری جز وسوسه انجام دهد) به روایت ابوداود.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله در کتاب الایمان می‌گوید: «مومن به وسوسه‌های شیطانی و وساوس کفرآمیزی دچار می‌شود که باعث دلتنگی او می‌گردد، چنانکه صحابه گفتند: ای رسول خدا، گاه کسی از ما در درون خود چیزهایی احساس می‌کند که اگر از آسمان به زمین بیفتد برایش بهتر از آن است که به زبانش آورد. ایشان فرمودند: آن صریح ایمان است. و در روایتی آمده که گفتند: بسیار بد می‌داند که آن را به زبان آورد، پس رسول الله ﷺ فرمود: الحمدلله که حیله‌ی او را به

وسوسه محدود ساخت. یعنی حصول این وسوسه‌ها با وجود این نفرتی که مومن از آن دارد و از خود دورش می‌دارد نشان دهنده‌ی صریح ایمان است؛ مانند مجاهدی که دشمن به سوی او می‌آید اما تا می‌تواند او را از خود دور می‌کند تا آنکه شکستش می‌دهد و این جهاد بزرگی است». تا آنجا که می‌گوید: برای همین وسوسه‌ها و شبهه‌هایی که برای طالبان علم و اهل عبادت پیش می‌آید برای دیگران پیش نمی‌آید، زیرا آن‌ها (یعنی دیگران) شریعت و منهج پروردگار را در پیش نگرفته‌اند بلکه پیرو دلخواه خود هستند و در غفلت از یاد خدا به سر می‌برند و این همان چیزی است که شیطان می‌خواهد؛ به خلاف کسانی که با علم و عبادت رو به سوی پروردگار خود آورده‌اند و اینان دشمنان شیطان هستند و شیطان می‌خواهد آنان را از راه الله متعال باز دارد. (ص ۱۴۷ الطبعة الهندية).

بنابراین به ایشان می‌گویم: حال که دانستی این وسوسه‌ها از سوی شیطان است با آن به جهاد برخیز و بدان که تا وقتی به مجاهده و روی‌گردانی از وسوسه‌های شیطان مشغول هستی و از پی گرفتن آن دوری می‌کنی هیچ زیان به تو نخواهد رساند، چنانکه رسول الله ﷺ می‌فرماید: الله از وسوسه‌هایی که در سینه‌ی امت من می‌آید تا وقتی که به آن عمل نکرده‌اند یا به زبانش نیاورده‌اند، در گذشته است متفق علیه.

اگر به تو بگویند: آیا به این وسوسه‌ها معتقد هستی؟ آیا آن را حق می‌دانی؟ آیا می‌توانی خداوند را چنین توصیف کنی؟ خواهی گفت: شایسته نیست چنین چیزی را به زبان آوریم؛ خداوندا تو پاک و بی‌عیبی! و بی‌شک با قلب و زبانت آن را انکار خواهی کرد و بیش از بقیه از آن اظهار تنفر می‌کنی. بنابراین این‌ها چیزی نیست جز وسوسه‌ها و افکاری که به ذهنت خطور می‌کند و تله‌ای است از تله‌های شیطان؛ شیطانی که مانند خون در رگ‌های انسان جریان دارد، تا تو را از ادامه‌ی راه باز دارد و در امر دین سرگردانت سازد.

برای همین است که شیطان درباره‌ی چیزهای بی‌ارزش هرگز در دلت شک و وسوسه نمی‌اندازد. مثلا می‌شنوی که شهرهای بسیار بزرگ و پر از جمعیتی در شرق و غرب زمین وجود دارد اما هیچگاه به ذهنت خطور نکرده که در وجود آن شک کنی یا گمان کنی که این شهرها برای زندگی و اسکان این جمعیت مناسب نیستند یا کسی در آن‌ها زندگی نمی‌کند... زیرا هدف شیطان این نیست، بلکه هدف بزرگ او فاسد کردن ایمان مومنان است. او با سربازان سواره و پیاده‌اش تلاش می‌کند نور علم و هدایت را دل انسان خاموش سازد و وی را در تاریکی شک و سرگردانی بیندازد. پیامبر ﷺ اما داروی شفابخش این مشکل را برای ما بیان نموده است: به الله پناه ببرد و دست از [آن اندیشه] بکشد. پس هرگاه انسان دست از آن کشید و به امید آنچه نزد خداوند است عبادت او را پیشه ساخت، به حول خداوند این وسوسه‌ها از بین می‌رود.

پس همه‌ی افکاری که در این باره به قلبت خطور می کند را رها کن و ببین که داری عبادت الله را به جای می‌آوری و به درگاه او دعا می‌کنی و به عظمت یادش می‌کنی. حتی اگر بشنوی کسی دارد همین وسوسه‌ها را به زبان می‌آورد، شاید اگر به دستت برسد چه بسا او را خواهی کشت! پس این وسوسه که به ذهنت می‌آید حقیقت ندارد بلکه وساوسی بی‌اساس است.

به طور خلاصه چنین توصیه می‌کنم:

۱ـ پناه بردن به الله و دست کشیدن کامل از اینگونه افکار، چنانکه رسول الله ﷺ فرموده‌اند.

۲ـ ذکر خداوند متعال و کنترل ذهن از ادامه دادن به این وسوسه‌ها.

۳ـ مشغول شدن جدی به عبادات و عمل نیک به عنوان انجام امر خداوند و به دست آوردن خشنودی وی. کسی که به طور کامل و از روی جدیت و واقع‌گرایانه به عبادت روی آورد مشغول شدن به چنین وسوسه‌هایی را فراموش خواهد کرد.

۴- پناه بردن بسیار به خداوند و دعا به درگاه او برای سالم ماندن از این مساله.

از الله متعال برای شما عافیت و سلامت از هر بدی را خواهانم.